

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

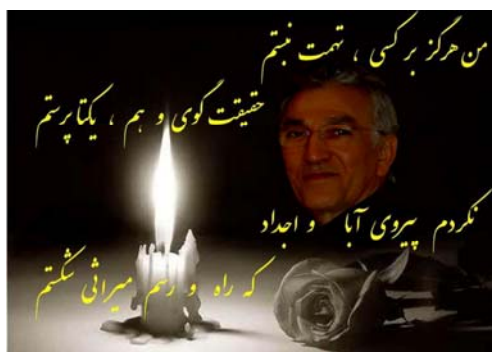
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۶ اپریل ۲۰۱۸



حریر تن

شبی که در بَغلت آشیانه می سازم
ز واژه واژه احساس، بر حریرِ تنّت
ز گرم بوسه، گل و برگ، نقش اندامت
ظریف طبع تو، گر مینوا زدم به غزل
حدیث و آیه چه خوانم، زبان نمی گردد
ز ناز ناز تو و، عشوه عشوه کردن تو
ز بیت بیت غزلهای عاشقانه خود
چرا جفا به من و، میکنی وفا به رقیب
مگو، چشک به حلال آی و خواستگاری کن
به عقد و صیغه نخواهم حلال من گردی
بیا و خواهش "نعمت" شبی پذیرا شو

نگفته های که دارم، ترانه می سازم
ردیف و قافیه را، دام و دانه می سازم
صلا اگر نکی، خودسرانه می سازم
نهال عشق ترا، پُر جوانه می سازم
که تا زبان، ز زبانت، زبانه می سازم
بتی به کعبه دل، جاودانه می سازم
ترا یگانه خدای یگانه می سازم
پنهان مکر ترا، گرچه لانه می سازم
مگو که، حکم شریعت، بهانه می سازم
ترا الا هه نظم، ز مانه می سازم
ز نغز شعر، حضور شهبانه می سازم

(۱)

حریر تن

شبی که در بغلت آشیانه می سازم
نکفته هسای که دارم ، ترانه می سازم
ز واژه واژه احساس ، بر حریرت
ردیف و قافیه را ، دام و دانه می سازم
ز گرم بوسه ، گل و برک ، نقش اندامت
صلا اگر نکنی ، خود سرانه می سازم

(۲)

ظریفِ طبعِ تو ، گر می‌نوازم به غزل
نخالِ عشقِ ترا ، پُر جوانه می‌سازم
حدیث و آیه چه خوانم ، زبان نمی‌گردد
که تا زبان ، ز زبانت ، زبانه می‌سازم
ز نازِ نازِ تو و ، عشوه عشوه ، کردنِ تو
بتی به کعبهء دل ، جاودانه می‌سازم
ز بیتِ بیتِ غزلهای عاشقانه خود
ترا یگانه خدای یگانه می‌سازم

(۳)

چرا جفا به من و ، میکنی وفا به رقیب
پهن دگر ترا ، گرچه لانه می سازم
مکو ، چشک به حلال آی و خواستگاری کن
مکو که ، حکم شریعت ، بهانه می سازم
به عفت و صیغه نخواهم حلال من کردی
ترا إلا همه نظم ، زمانه می سازم
بیا و خواهش «نعمت» شبی پذیرا شو
ز نغز شعر ، حضور شهانه می سازم